

# ماہنامہ کافئیر بوکلے

شمارہ ۲

تور تفریحی پیرزن ہا

داستانک

سینما زیر سایہ وحشت

برآمدی بر زبان فارسی

معرفی کتاب (نبرد من)

غلط نویسیم (الف)

شاعران آسمانے

شب نشینے باشکوه

میرا سہ معارفہ

معرفی کتاب  
(نبرد من)  
(۶ صفحہ)

نگاہ بر زبان فارسی  
(۲ صفحہ)

نقد سینما  
(۲ صفحہ)

داستانک  
(تور تفریحی پیرزن ۵)  
(۱ صفحہ)

شب نشینے باشکوه  
(۱۵ صفحہ)

شاعران آسمانے  
(۱۲ صفحہ)

غلط نویسیم  
(صرف ۱۲)  
(۱۰ صفحہ)

رقیبم سرنسرها کرد که اینج باب رخ برتاب

چه افتاد اینج سرما راکه خاک درنم اززد

شکوه تاج سلطان که بیع جانج در اودرع است

کلاهر دلقس است اما به ترک سرنم اززد

چه آسایج مر نمود اول غم دریا به بوسر سود

غط کردم که اینج طوفانج به هرگوهرنم اززد

(صفت حافظ)



## تور تفریحی پیر زن ها

تعدادی پیرزن با اتوبوس عازم توری تفریحی بودند. پس از مدتی یکی از پیر زنان به پشت راننده زد و یک مشت بادام به او تعارف کرد . راننده تشکر کرد و بادام ها را گرفت و خورد.

در حدود ۴۵ دقیقه بعد دوباره پیرزن بایک مشت بادام نزد راننده آمد و بادام ها را به او تعارف کرد. راننده باز هم تشکر کرد و بادام ها را گرفت و خورد.

این کار دوبار دیگر هم تکرار شد تا آن کہ بار پنجم کہ پیر زن باز بایک مشت بادام سراغ راننده آمد، راننده از او پرسید: چرا خودتان بادام ها را نمی خورید؟؟ پیر زن گفت: چون ما دندان نداریم.

راننده کہ خیلی کنجکاو شده بود پرسید پس چرا آنها را خریده اید؟؟ پیر زن گفت: مشکلات دور بادام ها را خیلی دوست داریم.

۱

وبگاه کافیئر بوکلی

www.caffeinebookly.com

اینستاگرام  
کافیئر بوکلی

caffeinebookly

کانال تلگرام  
کافیئر بوکلی

caffeinebookly





بر اساس پیش بینی ها، تأثیر این ویروس در درآمدهای سینمایی ضرری حدود ۲۰ میلیارد دلار (معادل ۱۶,۳ میلیارد پوند) به ارمغان می آورد. پیش از این، پیش بینی می شد این ضرر هنگفت تنها به ۵ میلیارد دلار (معادل ۴,۱ میلیارد پوند) محدود شود. اما The Hollywood Reporter مدعی شده صنعت سینماتا امروزیش از ۷ میلیارد دلار (معادل ۵,۷ میلیارد پوند) ضرر کرده و با توجه به توقف فعالیت استودیوها، این مقدار بیشتر هم می شود.

آن زمان که بیماری کووید ۱۹ در چین شیوع یافت و ۷۰ هزار سینما را به تعطیلی کشاند، زنگ خطر به صدا در آمده بود. بسیاری از زیان ۵ میلیارد دلاری برای صنعت سینما صحبت می کردند. اما همه کرونای جدید را انگار دست کم گرفته بودند و حالا صحبت از ۵ میلیارد دلار زیان به شوخی می ماند و فقط در آمریکا صحبت از زیانی ۲۰ میلیارد دلاری است.

حالا کرونای یکی پس از دیگری کشورهای گوناگون را در گوشه گوشه جهان گرفتار کرده است و البته نوبت به آمریکا هم رسید. حالا دیگر آمریکا بیشتر آمار بیماران کرونایی را در سراسر جهان ثبت کرده است و شیوع بیماری سالن های سینما را در تاریکی مطلق فرو برده است.

چند روز پیش بود که اعلام شد، چین پس از پشت سر گذاشتن بحران و در پی پایین آمدن شدید نرخ شیوع بیماری که در بسیاری مناطق به صفر رسیده است، سینماها را بازمی کند. خبری که بسیاری را حتی در آن گوشه جهان در حال خوشحال کرد، چرا که حالا می توانستند فیلم هایشان در چین اکران کنند. این خبر خوش البته چندان دوامی نداشت چرا که مشخص شد با وجود مهار بیماری هنوز امکان بازنگاه داشتن سینماها نیست. همانطور که چین خیلی زود مجبور شد دوباره سینماها را ببندد.

البته نکته امیدوار کننده ای که برای آینده وجود دارد ترافیک فیلم های هیجان انگیزی است که پشت در اکران مانده اند و پس از پایان بحران یکی از پس دیگری روی پرده می روند. البته فیلم های جدیدی هم برای سال ۲۰۲۱ برنامه ریزی کرده اند که به این جمع اضافه می شوند. از انبوه فیلم های مارول مثل «دکتر استرنج»، «مرد عنکبوتی» و «ثور» بگیر تا فیلم هایی مثل «دنیای ژوراسیک» و «آواتار» و

## مشاور پزشکی فیلم «شیوع» به کرونا مبتلا

شیوع به کارگردانی استیون سودربرگ در یک ماه گذشته که خبر شیوع ویروس کرونا فراگیر شد، جنجال‌های زیادی را به پا کرد. اما اتفاق عجیبی که خبر آن منتشر شده است ابتلای مشاور پزشکی این فیلم به ویروس کرونا است، مشاوره‌ای که طبیعتاً در روند تکمیل پرونده پزشکی این ویروس نادر که آن روزها خبری از آن نبود، نقش مهمی را داشته است. لیکین که مدیر مرکز بیماری‌های دانشگاه کلمبیاست با حضور در شبکه فاکس اعلام کرد که آزمایش کرونای او مثبت شده است. لیکین می‌گوید: «اگر مرا مبتلا کرده پس هر کسی را می‌تواند مبتلا کند». او وضعیت خودش را بسیار ناخوشایند توصیف می‌کند. او می‌گوید مهم نیست از کجا ویروس به بدن او منتقل شده: «ویروس در سراسر ایالات متحده وجود دارد، از هر جایی ممکن است آن را بگیرید.» فیلم «شیوع» سودربرگ که در سال ۲۰۱۱ ساخته شد با آغاز بحران کرونا دوباره به فهرست پرفروش

## جشنواره سینمایی کن در تاریخ مهر بر گزار نمی‌شود

مسئولان برگزاری جشنواره سینمایی کن نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که این رویداد بزرگ سینمایی به علت بحران شیوع ویروس کرونا، در تاریخ مقرر برگزار نمی‌شود. جشنواره سینمایی کن که مهم‌ترین رویداد سینمایی جهان محسوب می‌شود، قرار بود از تاریخ ۱۲ تا ۲۳ ماه مه (۲۳ اردیبهشت تا ۳ خرداد) در شهر کن واقع در جنوب فرانسه برگزار شود. برگزارکنندگان این جشنواره، هنوز به طور رسمی، خبر لغو کلی آن را اعلام نکرده‌اند اما به نظر می‌رسد که این رویداد سینمایی نیز نتواند در سال ۲۰۲۰ برگزار شود.



سال اول

شماره اول

شنبه  
۶ اردیبهشت  
سال ۱۳۹۴

۴

وبگاه کافئین بوکلی

www.caffeinebookly.com

اینستاگرام  
کافئین بوکلی



caffeinebookly

کانال تلگرام  
کافئین بوکلی

caffeinebookly




زبان فارسی با این که یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و به عنوان زبان ملی و رسمی ایران شناخته شده است، ولی هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. و به همین دلیل عصر ارتباطات و دهکده جهانی آن را آسیب پذیر نمی کند. فارسی از حدود سال ۱۰۰۰ میلادی تا ۱۸۰۰، زبان میانجی بخش بزرگی از غرب و جنوب آسیا بود. به عنوان نمونه پیش از استعمار هند به وسیله انگلیس، در زمان حکومت گورکانیان در هند، که ادامه دهنده پادشاهی تیموریان در هند بودند، فارسی، زبان رسمی این پادشاهی گسترده بود. یا نقل می کنند زمانی که شاه اسماعیل صفوی در ابتدای یکی از جنگ های خود قطعه شعری به زبان ترکی آذربایجانی برای پادشاه عثمانی فرستاد، پادشاه عثمانی شعری فارسی را در پاسخ او، برای شاه اسماعیل پس فرستاد.

زبان فارسی جدا از اینکه زبان اصلی یا زبان دوم مردم سرزمین ایران با قومیت های گوناگون بوده است، نفوذ بسیاری در کشورهای همسایه خود همچون هند و عثمانی داشته است؛ و در دوره پادشاهی گورکانیان زبان فارسی در هندوستان زبان رسمی اداری و نظامی بوده است و در کنار نفوذ زبان فارسی، نفوذ فرهنگ ایرانی هم در فرهنگ های دیگر دیده می شود و برای نمونه در پادشاهی گورکانیان در کنار دین اسلام، فرهنگ ایرانی جزو سرلوحه های فرهنگی شان بوده است.



زبان فارسی جدا از اینکه زبان اصلی یا زبان دوم مردم سرزمین ایران با قومیت های گوناگون بوده است، نفوذ بسیاری در کشورهای همسایه خود همچون هند و عثمانی داشته است؛ و در دوره پادشاهی گورکانیان زبان فارسی در هندوستان زبان رسمی اداری و نظامی بوده است و در کنار نفوذ زبان فارسی، نفوذ فرهنگ ایرانی هم در فرهنگ های دیگر دیده می شود و برای نمونه در پادشاهی گورکانیان در کنار دین اسلام، فرهنگ ایرانی جزو سرلوحه های فرهنگی شان بوده است.


زبان فارسی زبان اصلی خاندان هخامنشی بوده است که امروزه به آن فارسی باستان می گویند با خط میخی نوشته می شد. از زبان فارسی باستان چهار لهجه شناخته شده است: مادی، سکایی، اوستایی و فارسی باستان. از لهجه های مادی و سکایی که در غرب ایران و مناطق تحت فرمانروایی مادها و شمال ایران از مرزهای چین تا دریای سیاه کلمات و آثار محدودی به جامانده است.



زبان فارسی نو، در درازای تاریخ و در پهنه های گوناگون جغرافیایی، نام های گوناگونی داشته و دارد. این زبان به صورت رسمی در ایران به نام «پارسی» و «فارسی»، در افغانستان به نام های پارسی و دری، در تاجیکستان به نام تاجیکی، و در ازبکستان به نام «فارسی» مشهور است، اگرچه مردم فارسی زبان افغانستان همچنان زبان خود را «پارسی» می نامند. زبان فارسی در بحرین نیز نام «عجمی» دارد. در ترکیه عثمانی، که زبان پارسی جایگاه ادبی داشت، نام «پارسی» برای آن به کار می رفت. در هند نیز به این زبان، «فارسی» می گویند. در کشور ایران نیز نام این زبان در سراسر کشور «فارسی» است.

فارسی زبانان، در گذشته، واژه های «دری» و «پارسی» را نیز برای این زبان به کار می بردند. واژه «فارسی» در حقیقت «معرب پارسی» است. برخی زبان شناسان، یکی از موارد دگرگونی «پ» آریایی را تبدیل آن به «ف» می دانند در دبیره پهلوی برای واج های «پ» و «ف» یک حرف به کار می رفته و برخی از «پ» های پهلوی «ف» خوانده می شده اند.

این زبان همچنین با عنوان «Persian» در جهان شناخته شده است. در زبان عربی کلاسیک، به ویژه در سده های نخست دوره اسلامی، به زبان پارسی «لسان العجم» (زبان عجم)، و به مردمان ایرانی «عجمی» و گاهی نیز «عجمو» می گفتند.



«نبرد من» از قوی ترین و تأثیرگذارترین آثار قرن بیستم است. به یک معنا باید گفت تنها اثری که در امپراتوری رایش سوم ارزش خواندن داشت همین اثر بود و به همین خاطر بود که به آن انجیل عرفی ناسیونال سوسیالزم می گفتند. اهمیت این اثر در دوره زمام داری هیتلر به حدی بود که در هر خانه ای یک نسخه از آن پیدامی شد و بارها و بارها اتفاق افتاده بود که افراد آن را به صورت کادو در مناسبت های مختلف به هم هدیه می دادند. البته خوانش و بررسی این اثر امروز هم خالی از فایده نیست چرا که تنها اثر مدون و منسجمی است که از طریق آن می توان به جهان بینی هیتلر در رابطه با مسائل مختلف پی برد. به عبارتی، این کتاب در بردارنده عناصر بنیادی ایدئولوژی هیتلر، برنامه زمامداری و نیز شخصیتش می باشد.



آدولف هیتلر به عنوان یک شخصیت بی رحم تاریخ که مرگ میلیون ها نفر را رقم زد شناخته می شود. وی با جاه طلبی های دیوانه و ار خود دنیا را به جنگی خانمان سوز کشاند. همه او را مسئول شروع جنگ جهانی دوم و کشتار یهودیان می دانند. اما باید اعتراف کرد که هیتلر شخصیتی کاریزماتیک داشت که ارتش کشور، سیاستمداران و مردم عادی را با سخنان تهییج کننده اش با خود همراه ساخت تا در جهت باورها و سیاست های او گام بردارند و می توان گفت آدلف هیتلر دارای شخصیت شیطانی، اراده پولادین، قساوت آمیخته به خونسردی و نابغه بود، اگرچه نابغه ای شرور که جهان را لرزاند.

او بین سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ صدر اعظم آلمان و از ۱۹۳۴ به بعد، هم زمان در مقام پیشوای رایش آلمان بزرگ نیز حکومت کرد. هیتلر به عنوان یک کهنه سرباز نشان دار جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۰ به حزب نازی پیوست. او در سال ۱۹۲۱ به ریاست آن رسید. او در نوامبر ۱۹۲۳ به خاطر شرکت در کودتایی نافرجام معروف به «کودتای آب جوفروشی مونیخ» به تحمل ۵ سال زندان محکوم شد. او در همین دوران کتاب نبرد من را نوشت.

پس از آزادی از زندان، با ترویج ایده های ملی گرایی، ضد کمونیستی، یهودستیزی و ایراد سخنرانی های پر شور بر ضد پیمان و رسای (معاهده تسلیم شدن آلمان در پایان جنگ جهانی اول)، حامیان بسیاری در کشور آلمان به دست آورد. هیتلر در سال ۱۹۳۳ از سوی پاول فن هیندنبورگ به مقام صدراعظمی آلمان منصوب شد.

سال اول

شماره اول

شنبه  
۶ اردیبهشت  
سال ۱۳۹۴



وبگاه کافیئر بوکلی

www.caffeinebookly.com

اینستاگرام  
کافیئر بوکلی

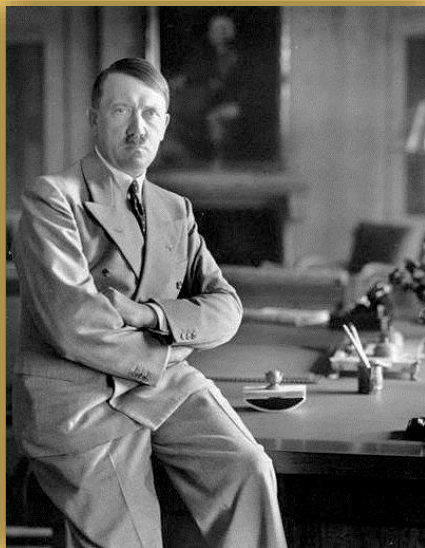
caffeinebookly

کانال تلگرام  
کافیئر بوکلی

caffeinebookly



پس از آزادی از زندان، با ترویج ایده های ملی گرایی، ضد کمونیستی، یهودستیزی و ایرادسخرانی های پرشور بر ضد پیمان ورسای (معاهده تسلیم شدن آلمان در پایان جنگ جهانی اول)، حامیان بسیاری در کشور آلمان به دست آورد. هیتلر در سال ۱۹۳۳ «ازسوی پاول فن» هیندنبورگ به مقام صدراعظمی آلمان منصوب شد. مجموعه ارتشی-صنعتی آلمان در زمان صدارت وی توانست قوای تحلیل رفته این کشور را بازسازی کرده و آن را تبدیل به یکی از قدرت های برتر اروپا در زمان خود کند. یکی از دلایل نخست و عمده وقوع جنگ جهانی دوم تهاجم به لهستان در سال ۱۹۳۹ بود که در نتیجه، بریتانیا و فرانسه به آلمان اعلام جنگ کردند؛ جنگی که بین دو قدرت نیروهای محور و نیروهای متفقین در گرفت و در طی این مدت اروپا و همچنین سایر نقاط دنیا شاهد ویرانی ها و تلفات بسیار بود. اگرچه در عرض سه سال، آلمان و نیروهای متحدش بیشتر مناطق اروپا، بخش های قابل توجهی از آفریقا، شرق آسیا، و اقیانوسیه را اشغال کردند، اما نیروهای متفقین از سال ۱۹۴۲ به بعد، از نیروهای آلمان نازی، پیشی گرفتند و در سال ۱۹۴۵، رایش آلمان بزرگ را از هر سو محاصره کردند.



هیتلر خطیبی قدرتمند بود و با هر سخنرانی می توانست گروه بزرگی را به سوی هدفی که در پیش داشت حرکت دهد. کیش شخصیت کاریزماتیک و توان خطابی هیتلر، قدرت اقتصادی و تکنولوژیکی آلمان را از یک سوی و سوق دادن قدرتمند جوانان با شعارهای پوپولیستی به سمت نژادپرستی آلمانی و حزب نازی را به خوبی هدایت می کرد و پشت سر هیتلر، سرمایه های بزرگ آلمانی سهم بیشتری در بازار جهان را طلب می کردند و ماشین جنگی قدرتمند آلمان برای به دست آوردن این سهم وارد معرکه بزرگی شد که به کشتار بیش از ۵۰ میلیون انسان به همه امیدها و آرزوهایشان انجامید. سهمی که سرمایه داری آلمان در نتیجه تسلیم در جنگ اول جهانی از دست داده بود. هیتلر به عنوان سردار این کشتار عظیم، با نفرتی عمیق از غیر آریائیان، کشتارهای بی رحمانه و وسیعی را سازمان داد که به شخصیت فردی او نیز بی ارتباط نبود.

هیتلر که قبل از رسیدن به منصب صدراعظمی آلمان در دوره جوانی دروین به تحصیل و اشتغال میپرداخت از خطراتی مینوسد که نژاد آلمانی را تهدید می کرد، از بی کفایتی اتریشی هایی که نژاد اصیل خود پشت کرده و هیچ مقاومتی بر علیه بیگانه نشان نمی دادند گرفته تا نفوذ زیرزمینی یهودیت به اقسام مختلف جامعه و حکومت و پرورش افکار مارکیستی در میان قشر کارگر.

در فصول اول کتاب میتوان شرح هیتلر از دوران کودکی و علاقه بی وصف او به هنر نقاشی را مشاهده کرد، وی این گونه بیان میدارد که از هر فرصتی برای نقاشی استفاده می کرده و قصد داشته روزی نقاش بزرگی بشود اما با مخالفت شدید پدر مواجه می شده و برای رسیدن به رشته مورد علاقه خود دست به هر کاری می زده.

«نبردمن» توسط یکی از بی رحم ترین نقادانش «هندریک ویلم وان لون» چنین توصیف شده است «یکی از فوق العاده ترین اسناد تاریخی تمام ادوار تاریخ است». «نرمال کازینز» نقاد دیگری می گوید: «یکی از مؤثرترین کتاب های قرن بیستم است. زیرا برای هر کلمه «نبردمن» ۱۲۵ جان و برای هر صفحه ۴۰۷۰۰ جان و برای هر فصل بیش از ۱۰۲۰۰۰۰۰ جان تلف شده اند».

# براندازی بر «نبردمن»

به علت اینکه کتاب فوق رمان نیست و بیشتر به عنوان زندگی نامه و رمان امه یک حزب یا باورهای یک فردمهم، توصیف می شود برای آشنایی بیشتر خواننده با کتاب، عناوین فصل های آن به ترتیب در ادامه ذکر شده است:

جلد اول: یک تسویه حساب شامل دوازده فصل به نام های زیر:

دوران کودکی و کانون خانوادگی؛ سال های تحصیل و تحمل مشقت دروین، ملاحظات سیاسی عمومی براساس دوره حضور من دروین، درمونیک، جنگ جهانی، تبلیغات جنگ، انقلاب، آغاز فعالیت های سیاسی من برای چه آلمان شکست خورد، حزب کارگر آلمان، ملل نژاد اولین طلبه پیشرفت حزب کارگرناسیونال سوسیالیست.

جلد دوم: جنبش سوسیالیست ملی شامل پانزده فصل به نام های زیر:

عقاید فلسفی حزب، دولت، موضوع، دولت و ملت، مفهوم دولت از نظر راسیست، مفهوم فلسفی سازمان دولت، اولین مبارزه و اهمیت سخنرانی، مبارزه جدید با جبهه سرخ، نیرومندا وقتی تنهاست نیرومندی ماند، حمله ها چگونه آغاز می شدند، فدرالیسم غیر از ظاهر سازی چیزی نیست، پروپاگاندا مسئله سازمان، مسئله سندیکاها، سیاست آلمان و مسئله اتحادهای بعد از جنگ، سیاست یا جهت گیری شرقی، حق دفاع اضطراری.

قالب اصلی «نبردمن» که مکرر تکرار می شود عبارت است از نژاد، پاکی نژاد و برتری نژاد، اگر چه در هیچ کجایهیتلر نژاد را تعریف نمی کند. وی می گوید انسان ها سه دسته اند: آفرینندگان فرهنگ و تمدن که نمونه ی آن یکی بیش نیست و آن نژاد آریایی می باشد؛ کسب کنندگان فرهنگ، مانند ژاپنی ها و ویران کنندگان فرهنگ، مانند یهودیان و سیاهان. هیتلر ادعا می کرد در طبیعت هرگز نژادها مساوی خلق نشده اند، همچنان که افراد مساوی خلق نشده اند. برخی نژادها بر سایر نژادها برتری دارند و آلمانی ها به عنوان برترین نژاد جهان باید بر «نژادهای پست تر» فرمانروایی کنند.

یکی از این عناصر خیال ایده نژادگرایانه اوست. چیزی که هیتلر از آن به عنوان «منطق آهتین طبیعت» یاد می کند. او به وجود نژادهایی معتقد است که در تنازع بقا جان سالم به در می برند و مابقی را منقرض می کنند. او آریایی ها را نژاد برتری می پنداشت و هراس داشت که نژادهای دیگر انسانی در نبرد بقا موفق از آب درآید و بخواهند نژاد برتر آسیب برسانند. او به خصوص از آمیزش نژادی وحشت داشت. در این صورت آمیزش خونی سبب نابودی فرهنگ های اصیل و پر قدمت می شدند و دائماً می گفت رستگاری نژاد آریایی زمانی اتفاق خواهد افتاد که بتواند خلوص نژادی اش را حفظ کند. درون مایه اصلی کتاب و به عبارتی روح کلی حاکم بر کتاب خشم و انتقام است. هیتلر در این کتاب دائماً از موضوعی به موضوع دیگر می پرد.

در ادامه کتاب می توان روند تکامل خط فکری او در دوره هنرستان و شکل گیری نظرات سیاسی او تا زمان نوشتن کتاب را به شیوه خاص نگارش حماسی او و تمرکز منصره فرد او بر مبحث میهن پرستی دنبال کرد.

جدیت هیتلر در عقاید خاص او در زمینه میهن پرستی و احساس مسئولیت نسبت به هم نژادان خارج از خاک آلمان و ایدئولوژی قدرتمند سازی آلمان و بی نیاز ساختن کشور از بیگانگان و جبران تحقیر نژاد ژرمن از اساسی ترین موضوعات مطرح شده در نبردمن می باشد.

## خلاصه ای از «نبردمن»

آری. این حرف درستی است که انسان خیلی زود به فقر و گرسنگی و بسیاری چیزها عادت می کند و نسبت به همه چیز بدبین می شود. بسیاری از کارگران را دیده بودم که در دوران روستاگری چون درآمد مرتبی داشتند، با ملت و دولت دوست و مهربان بودند و اگر هم از آنان نامهربانی میدید بازهم از آرامش و صلح لذت می بردند. اما وقتی به شهر می آمدند در اثر چندبارییکاری های مکرر و تحمل بی نوابی، عاطفه و احساس انسانی را از دست داده و خوی یغماگری در آنها زنده می شد و برای ارتکا به هر عملی آمادگی پیدا می کردند. وای به وقتی که این کارگران صاحب زن و فرزند هم بودند...

تا پولی در منزل بود با لقمه نانی می ساختند، اما وقتی کار دبه استخوان می رسید، لطف و شفقت خانوادگی نیز از بین می رفت و کارگر بدبخت باید با دو وجهه یکی در خانه و یکی در خارج از خانه نبرد می کرد...

کشمکش ها و منازعات خانوادگی از اینجا آغاز شد، دیگر نه پسر پدر را و نه پدر پسر را دوست داشت. پدر برای سرگرمی و تسکین به مشروب پناه می برد، روزهای تعطیل روز بدمستی و مشروب خوری او بود و برای اینکه بتواند با زن و فرزند خود خوب نبرد کند، به مشروب توسل می جوید و زن بدبخت با هزار کشمکش و دعوا یک سکه پول از شوهرش می گیرد، با این حال او مست و مدهوش به منزل می آید و پس فردا چون میبیند که باید با جیب خالی از منزل خارج شود خدا می داند که چه صحنه ها و تراژدی ها بین زن و شوهر به وجود می آید...

انگلیسی ها مثال خوبی برای مردم جهان به شمار می روند!! آنها با محافظه کاری خود، هرگز خود را به جایی نمی کشانند که سرانجام دچار پشیمانی شوند؛ جنگ آنها برای آزادی خودشان است و اگر نان ندارند خوب می دانند که چگونه باید برای قاپیدن نان از دست دیگری دولت ها را به جان یکدیگر بیندازند. زمانی که ما برای به دست آوردن یک لقمه نان نقشه می کشیدیم که با کدام دولت متحد شویم و از چه کسی کناره بگیریم انگلستان برای آزادی خودش از پیمان های دُول اروپا بهره برداری می کرد.

## برای مطالعه ی این کتاب

## کلیک کنید



سخن گفتن به فارسی برای کسانی که این زبان را از کودکی آموخته اند ظاهراً کار آسانی است. ما به همان سادگی که نفس می کشیم با دیگران نیز سخن می گوئیم. اما نوشتن به فارسی به این آسانی نیست. هنگامی که قلم به دست می گیریم تا چیزی بنویسیم، حتی اگر یک نام کوتاه باشد، غالباً درنگ می کنیم و با خود می گوئیم: آیا «آذوقه» درست است یا «آزوقه»؟؟ «حوله» یا «هوله»؟؟ «خواروبار» یا «خواربار»؟؟ و...

تردیدما همیشه از بابت املا یا معنای کلمات نیست. وانگهی برای رفع این مشکل کافی است که به یک لغتنامه معتبر مراجعه کنیم و جواب خود را در آن بیابیم. هنگام نوشتن، سوالهای بسیار دیگری نیز برای ما مطرح می شود که جواب به آنها را در لغتنامه های موجود به دشواری می توان یافت یا اصلاً نمی توان یافت.

۱۰

آج/عاج: این دو کلمه را نباید به جای هم به کار برد. آج واژه فارسی است به معنای «برجستگی های منظم بر سطح یک شیء مانند سطح سوهان» «آژ و آژده و آجیده و آجیدن و آجین نیز از همین خانواده است»؛ ولی عاج کلمه عربی است به معنای «ماده ظریف و سختی به رنگ سفیدشیری که بدنه اصلی دندانهای فیل و بعضی دیگر از جانوران را تشکیل میدهد» آج امروزه بیشتر در مورد لاستیک اتومبیل به کار می رود. می دانیم که بر سطح لاستیک نو فرورفتگیها و برجستگیهایی هست که پس از مدتی استعمال ساییده می شود و تدریجاً از میان می رود. در این صورت رانندگی خطرناک می شود و از این روبه رانندگان توصیه می کنند که لاستیک آجدار به کار برند. بسیاری در استعمال این واژه اشتباه می کنند و می پندارند که در این موارد باید عاج و عاجدار بگویند و حال آنکه عاج ربطی به لاستیک ندارد و در ساخت آن مطلقاً مصرف نمی شود.

آزوقه/آذوقه: اصل این کلمه ترکی است (بعضی آن را عربی و سنسکریت نیز گفته اند) و املای آن در فرهنگها به دو صورت آزوقه و آذوقه آمده است.

صورت دوم، به دلیل استعمال آن در متون دوقرن اخیر، غلط نیست، اما صحیحتر آن است که به صورت آزوقه نوشته شود.

سال اول

شماره اول

شنبه  
۶ اردیبهشت  
سال ۱۳۹۴

وبگاه کافئین بوکلی

www.caffeinebookly.com

اینستاگرام  
کافئین بوکلی

caffeinebookly

کانال تلگرام  
کافئین بوکلی

caffeinebookly

آخُر/ آخور: آخُر، به ضمّ «خ»، به معنای «جاگماهی که در آن خوراک برای چهارپایان می ریزند» و توسعاً به معنای «اسطبل» است. این کلمه در متون قدیم فارسی اغلب به همین صورت و در متون جدیدی‌تر به صورت آخور آمده است. بعضی از فرهنگها صورت اخیر را غلط می دانند، ولی هر دو صورت صحیح است.

آزاد/ آزاده: این دو واژه همگون اند و در جمله ارزش یکسان دارند و به عنوان صفت می توانند جانشین یکدیگر شوند:

من از آن روز که در بند توام آزادم  
پادشاهم که به دست تو اسیر افتادم (سعدی، غزلیات)

ز مادر همه مرگ را زاده ایم  
همه بنده ایم از چه آزاده ایم (فردوسی)

ز هر چه رنگ تعلیق پذیرد آزاد است (حافظ)

آزمایشات: واژه آزمایش فارسی است و جمع بستن آن به «ات» عربی خلاف قاعده است. به جای آن باید گفت: آزمایشها.

آسیا/ آسیاب: هر دو واژه صحیح است و هر دو به یک معنی است و بزرگان ادب فارسی آنها را به یکسان به کار برده اند.

چنان بر فرق من چرخ آسیا راند

که مویم زیر گرد آسیا ماند (عطار، اسرارنامه)

دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی  
عجب است اگر نگرده، که بگرده آسیابی (سعدی، غزلیات)

آسمان/ آسمانه: این دو واژه را نباید با هم اشتباه کرد. آسمانه، که در اصل مصدر آسمان بوده است، اصطلاحاً به «سقف» اطلاق می شود. ولی در آثار معتبر فارسی، آسمانه همیشه به معنای «سقف اتاق یا ایوان» به کار رفته است.

## شاعران آسمانی



سال اول

شماره اول

شنبہ  
۶ اردیبهشت  
سال ۱۳۹۹

۱۲

وبگاه کافیئر بوکلی

www.caffeinebookly.com

اینستاگرام  
کافیئر بوکلی

caffeinebookly

کانال تلگرام  
کافیئر بوکلی

caffeinebookly

نام: ابو محمد مُشرف الدین مُصلح بن عبدالله بن مشرف

متخلص: سعدی

لقب: استاد سخن, پادشاه سخن, شیخ اجل

آثار: بوستان, گلستان, غزلیات, هزلیات, آثار به زبان  
عربی

مقبره: شیراز


بسیاری از شاعران و سرایندگان در طول تاریخ، نقش مهم و کلیدی را در تحریک احساسات و عواطف فرمانروایان و عموم مردم در راستای خواسته های خود ایفا کرده اند.

همچنین، سرودن شعرهای حماسی توسط برخی از شاعران در میدانهای نبرد، چه بسا لشکری شکست خورده و فراری را مجدداً منسجم ساخته و با دمیدن روح امید از طریق تحریک عاطفه و احساسات سربازان و فرماندهان، دو باره آن لشکر را به صحنه جنگ بازگردانده و پیروزی ها آفریده است.


در این بخش شما را با شاعران کهن ایران زمین؛ آشنا خواهیم کرد.








سعدی شاعر و نویسنده فارسی گوی ایرانی است. او در نظامیه بغداد که مهم ترین مرکز علم و دانش جهان اسلام در آن زمان به حساب می آمد تحصیل و پس از آن به عنوان خطیب به مناطق مختلفی از جمله شام و حجاز سفر کرد. سعدی سپس به زادگاه خود، شیراز، برگشت و تا پایان عمر آنجا اقامت گزید. آرامگاه وی در شیراز واقع شده است که به سعدیه معروف است. عمده عمر او مصادف با حکومت اتابکان فارس در شیراز و هم زمان با حمله مغول به ایران و سقوط بسیاری از حکومت های وقت نظیر خوارزمشاهیان و عباسیان بود. البته سرزمین فارس به واسطه تدابیر ابوبکر بن سعد؛ ششمین و معروف ترین اتابکان سلغری شیراز، از حمله مغول در امان ماند.



نظر اغلب سعدی پژوهان بر این است که سعدی تحت تأثیر آموزه های مذهب شافعی و اشعری و بنابراین تقدیرگرا است. در مقابل، نشانه هایی از ارادت وی به خاندان پیامبر اسلام مشاهده میشود. سعدی بیش از آن که تابع اخلاق به صورت مطلق و فلسفی آن باشد، مصلحت اندیش است و ازین رو اصولاً نمی تواند طرفدار ثابت و بی چون و چرای قاعده ای باشد که احیاناً در جای دیگری آن را بیان کرده است. برخی از نوگرایان معاصر ایران آثار او را غیر اخلاقی، بی ارزش، متناقض و فاقد نظم سیستماتیک قلمداد کرده اند. روز ۱۸ اردیبهشت در تقویم رسمی ایران روز بزرگداشت سعدی است.





در مورد زندگی سعدی جان اطلاعات قطعی بسیار کمی در دست است. حتی قدیمی ترین منابع، بسیاری از اطلاعات خود را از آثار خود او اقتباس کرده اند؛ اطلاعاتی که بسیاری از آنها به لحاظ تاریخی غیرممکن اند و سعدی احتمالاً به منظور تأثیر بیشتر کلام خود، آنها را تغییر داده و با مبالغه و افسانه درآمیخته است. بنابراین، هنوز تصویر دقیق و منسجمی از زندگی سعدی وجود ندارد. به ویژه در مورد سالهای پیش از سال ۶۵۵ و پس از ۶۸۰ دانسته ها متکی بر فرضیات است.

پدر او ملازم دربار سعد بن زنگی، اتابک فارس، بود و هم زمان به علوم دینی نیز اشتغال داشت. سعدی از کودکی تحت تعلیم و تربیت قرار گرفت و از عشق و آموزه های خردمندانانه پدرش به نیکی یاد می کند.

سعدی در دوازده سالگی پدرش را از دست داد و تحت تکفل پدر بزرگ مادری خود، مسعود بن مصلح الفارسی، قرار گرفت. او در دوران کودکی، مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت. سعدی به قولی، خواهرزاده قطب الدین شیرازی، دانشمند و فیلسوف سرشناس است. دوران کودکی و نوجوانی سعدی جان هم زمان با اتابکی سعد بن زنگی در فارس بود، که با حمله مغول به ایران مصادف شد. اوضاع نابسامان ایران در پایان دوران سلطان محمد خوارزمشاه و به ویژه حمله سلطان غیاث الدین خوارزمشاه، برادر جلال الدین خوارزمشاه، به شیراز در سال ۶۲۰ هجری قمری، سعدی را بر آن داشت که در روزگار جوانی شیراز را ترک کند و به بغداد برود.

## مراسم معارفه

در جلسه ی معارفه ای که در بایگانی اداره کل ثبت آمار و احوال جهت آشنایی آقای منتظر، مدیرکل تازه، با رؤسای حوزه هاتشکیل یافته بود، آقای منتظر از روی یادداشتی که قبلاً تهیه کرده بودند، چنین خواندند:

آقایان رؤسای محترم حوزه های ثبت آمار و احوال. از این که مصدع اوقات شریف همگی می شوم، علاوه بر آشنایی حضوری، به خاطر برنامه های تازه ای است که در پیش رو داریم. بدین جهت بدون مقدمه چنین عرض می کنم که آقایان، دوران کهنه مدت هاست که سپری شده و سازمان های پوسیده و پاشیده ای که همیشه باعث اتلاف وقت و عمر ملت عزیزم می شده سر آمده است. در تمام ارکان و یاساده تر در تمام سازمان های مملکتی یک رفورم واقعی پیداشده و دیگر آن زمان ها گذشته است که تمام اوقات گران بهای کارمندان به پاراف کردن کاغذپاره ها و اسناد بی ارزش صرف می شد. آری آقایان، دوران تازه ای فرارسیده است. ترقیات شگرف و بزرگی که در تمام شئون فرهنگی و اداره ای در مملکت ها، روز به روز در حال گسترش است این امید را در دل ما پروراند که داریم همگام با سایر ملل آزاد جهان به سوی پیشرفت و تعالی می رویم. پنجاه سال پیش در تمام مملکت، جدا ای که قابل استفاده باشد، وجود نداشت، ولی امروزه راه آن سرتاسری در کمال زیبایی و راحتی شمارا به هرده کوره ای که دلتان بخواهد می رساند. زمانی بود که مردم همه بی سواد بودند و وعده ی کمی در مساجد، خواندن و نوشتن یاد می گرفتند، ولی امروزه روز نوباوگان وطن مادر ساختمان های مجلل درس فیزیک و شیمی می خوانند و با یولون سرودهای نشاط انگیز یاد می گیرند و حتی در رادیوها برنامه اجرا می کنند. الغرض مقصود این است که چشم و گوش خود را باز کنیم و ببینیم که با چه سرعت عجیبی به سوی پیشرفت و تحول می شتابیم. اما در مقابل این همه پیشرفت، در ادارات ماهنوز آن تحول لازم به چشم نمی خورد. و روال کار بر همان مبنای گذشته پیش می رود. کارمندان به همدیگر ایراد می گیرند، یکدیگر را پیش می رود. کارمندان به همدیگر ایراد می گیرند، یکدیگر را مقصر می شمارند، کارها را به گردن دیگران می ریزند، پرونده های ضخیم از روی این میز، روی آن یکی میز پرت می شود. مراجعین سرگردان و سردرگم هستند و ماعوض این که به امور اساسی و اصلی بپردازیم و فلسفه ی اصلی زندگی را بشناسیم، نشسته ایم و مرتب رنویست شناسنامه و سواد مصدق صادر می کنیم و مهر «فوت شد» روی شناسنامه هامی کوبیم. چرا چنین شده است؟؟ چرا؟؟ این سؤال را هر انسان روشنفکر و عاشق وطن باید از خود بکند. اما کوجواب؟؟ آقایان به نظر این جانب که مسئولیت خطیری را به عهده گرفته ام تا وقتی که کارها در دست نسل کهنه و قدیمی باشد هیچ نوع پیشرفتی در هیچ امری از امور دیده نخواهد شد. تا وقتی که فلان کارمند هفتادساله میز ریاست فلان حوزه را اشغال کرده، کارهای مملکتی به همان کندی پیش خواهد رفت، چرا که اوتاعینکش را روی بینی قرار دهد و قلم را با انگشتان لرزانش توی دوات فروبرد، ساعتی از ساعات عمر بشری گذشته است. بله آقایان باید حساب کنید در همان ثانیه ای که شمامشغول خاراندن دماغتان هستید، چند هزار نفر این دارفانی را وداع می کنند و چندین هزار نفر دیگر به روشنایی این خاکدان چشم می گشایند. بدین ترتیب لازم است که کارها به دست جوانان تنومند و دانشمند سپرده شود.

اما سوء تفاهم نشود که منظور از جوان، فکر جوان است نه قدر و قواره ی جوان. روی این اصل است که این جانب افتخار می کنم، موقعی سرکار آمده ام که وضع کاملاً پاشیده و شیرازه ی کارها از هم گسسته است و تمام کارها در حال از بین رفتن است. و تصمیم جدی من بر آن است که برق آسا، سروصورتی به اوضاع بدهم.

آقایان، باید راه و روش تازه ای انتخاب کرده و کارها را در اسرع وقت انجام دهند. دیگر حوزه ها نباید شلوغ پلوغ باشا، مراجعین بامهربانی باید از سر و آسود شوند. دایره ی بایگانی نباید به دخمه درد دل ها و ناله های درگوشی میدل شود. شناسنامه هان باید روی میز بخوابند. و مرد بیچاره ای را که بعد از گذشت سال ها، با دعا و تعویذ و نذر و نیاز بچه ای پیدا کرده، به خاطر شناسنامه روزهای متمادی آواره اش کرد. دستور مؤکد داده ام که از همین فردا برای نقاشی حوزه ها باچند نقاش وارد مذاکره شوند. برای هر حوزه بخاری تازه ای خریداری شود و خود شما لازم است که با نظافت و آب و جاروی حسابی منظره ی فرح بخشی به حوزه هابدهید. مشکل نیست آقایان، مشکل نیست. وقتی تصمیم به پیش رفت گرفتید، هیچ نیرویی قادر نیست جلو اراده ی شما را سد کند.



سال اول

شماره اول

شنبه  
۶ اردیبهشت  
سال ۱۳۹۴

وبگاه کافئین بوکلے

www.caffeinebookly.com

اینستاگرام  
کافئین بوکلے

caffeinebookly

کانال تلگرام  
کافئین بوکلے

caffeinebookly



آری پیش رفت، پیش رفت. این است آن راز بزرگواری ملل پیش رفته ای چون آمریکا و انگلیس. این است تنها نجات دهنده ی ملت ها از چنگال عقب ماندگی. هم چنین دستور داده ام بردیوار هر حوزه ای صندوق زیبایی نصب شود تا شکایات مستقیماً به دست خود این جانب برسد.

در خاتمه امیدوارم در این پست جدیدی که به عهده گرفته ام، مثل همیشه ساعی و کوشا باشم. و نشان دهم که چه گونه خدمتگزارا واقعی مملکت هستم و انتظار دارم در این امر خطیر رؤسای محترم حوزه ها از همکاری های لازم دریغ نفرمایند. زیرا به پشتیبانی شما است، که من این بارسنگین را به دوش گرفته ام. آقایان محترم!! بیایید برای همیشه خادم ملت و مملکت باشیم، بیایید آن چنان زندگی کنیم که بعد از مرگ ما شعر سعدی علیه الرحمه شامل حال ما باشد که فرمود زنده و جاوید باد آن که نگو نام زیست!! بیایید آقایان، منتظر چی هستید؟

سخنرانی آقای مدیرکل باکف زدن ممتد آقایان رؤسا پایان یافت. هوا تاریک تر شده بود شاید غروب رسیده بود و شاید آفتاب گرفته بود. با همه این ها از پنجره ی کوچک پشت بایگانی روشنائی بدرنگی هم چون آب دهن مرده به داخل می ریخت. کلید برق که زدن چند چراغ روشن شد و حیوانات ریز و درشتی که بالای پرونده ها نشسته بودند، ناگهان به حرکت درآمدند و جیرجیر موش های وحشت زده به خنده ی غم انگیز پیرزنی بی شباهت نبود.

در این موقع آقای میرکریم سیدی ریاست محترم حوزه ی هفت، پشت میز خطابه قرار گرفت و از طرف همکاران عزیز و ارجمندش خطاب به آقای منتظرچنین آغاز سخن کرد:

جناب آقای مدیرکل!! افتخار دارم که از طرف خود و سایر همکارانی که در این جا حضور دارند از حسن ظن و پشتکار آن جناب تشکر کنم. سخنان شما آتش امید در دل ما وقاطبه ی اهالی روشن کرده است!! امید است که تحت توجهات خاص آن جناب بتوانیم آن چنان که شاید و باید در صدور رو نوشت شناسنامه ها و باطل کردن سجل مردگان انجام وظیفه نماییم.

«چه بیم از موج بحر او را که باشد نوح کشتیان.»

ادامه دارد...